



تاریخچه شهرستان تبریز

تبریز یکی از قدیمی ترین مناطق ایران است و مجموعه آثار تاریخی و نشانه های باستان شناختی که از محل های مختلف آن به دست آمده دلالت بر دیرینگی و قدمت تاریخی این شهر دارد. سارکن « سارکن پادشاه آشور ۷۲۲-۷۵۰ » در کتیبه خود از شهری به نام اوشکایا که شاید همان اسکوی امروزی است و نیز از دژ و قلعه محکمی به نام تارویی یاد می کند



که به احتمال زیاد تبریز است. گذشته از این در یکی از کتیبه های سناخریت پادشاه آشور (۷۰۵-۶۸۱ ق. م) از شهری به نام تریس نام برده شده است که پادشاه مزبور در آنجا معبدی به نام نرکان ساخته بود. بعضی از مورخان تریس را معروف تبریز را یکی می پندارند. عده ای حتی این شهر را همان سوز یا شوش قدیم و عده ای دیگر آکراتا یا آماتای ذکر شده در تورات فرض کرده اند. تعیین تاریخ دقیق پیدایش شهرنشینی در دشتی که تبریز در آن قرار گرفته دشوار است. شرایط این دشت حاصلخیز به واسطه وجود دو رود آجی چای و مهران رود، اقلیم معتدل، موقعیت ارتباطی بسیار مناسب، وجود منابع زیرزمینی غنی و موقعیت مناسب استراتژیکی آن، زمینه مساعدی برای تکوین و توسعه زندگی شهری فراهم آورده است. در دوره حکومت روادیان تبریز پایتخت آذربایجان شد و به علت موقعیت ممتاز جغرافیایی و نظامی خود بیشتر از سایر شهرها مورد توجه قرار گرفت. در سال ۳۴۰ هجری قمری از اتحاد سه گانه تبریز، اشنو (اسند ، اسنق) و دهخوارقان مملکت بنی رودینی به وجود آمد که حکام آن قدرت و استقلال کامل داشتند و خلفای بغداد از دخالت و نفوذ کمی در آن برخوردار بودند. از قرن دهم میلادی یا قرن سوم هجری به بعد نام تبریز در ردیف شهرهای بزرگ آذربایجان آمده است که در آنجا همزمان با پیشرفت صنعت و تجارت علم و تمدن نیز شکوفا شده است. اهالی تبریز در سال ۶۱۶ هجری موفق شدند با دادن هدایای قیمتی و پول فراوان از هجوم مغولان به شهر و ویرانی آن جلوگیری کنند. پس از حمله مغول به ایران برای اولین بار شهر تبریز به دستور آباقاخان (۶۸۰-۶۶۳ هجری قمری) پایتخت رسمی ایلخانان شد. در سال ۶۵۸ هجری در دوران حاکمیت آباقاخان در تبریز ، زندگی مدنی و اقتصادی دوباره شکوفا شد. سلطان محمود غازان خان معروف ترین شاه مغول در ۶۹۴ هجری تبریز را مقر حکومت قرار داد و آن را به منتهای درجه عظمت و بزرگی و آبادانی رساند. پس از ایلخان مغول، تبریز در عصر جلایریان و ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو پایتخت ایران شد و در این زمان (۸۷۰ هجری) بود که به دستور جهان شاه بن قره یوسف بن ترکمان مسجد کبود (گوی مسجد) بنا گردید. در سال ۹۰۶ هجری شاه اسماعیل صفوی (متخلص به ختایی) تبریز را پایتخت ایران کرد. در دوران صفوی شهر تبریز بارها میدان جنگ ایران و عثمانی شد. در آغاز حکومت قاجار بخصوص زمان فتحعلی شاه، تبریز پایتخت دوم یا ولیعهد نشین ایران شد و محل استقرار عباس میرزا نایب السلطنه گردید. در دوره استبداد صغیر محمد علی شاه، مردم تبریز به رهبری دو قهرمان ملی - ستارخان و باقرخان - پس از ماهها مبارزه و ستیز ، ابتدا تبریز و آذربایجان و سپس ایران را از چنگ استبداد رهایی بخشیدند.



مراکز تاریخی و باستانی

کاخ شهرداری / کاخ و تالار شهرداری تبریز در سال ۱۳۱۲ شمسی در گورستان متروک و مخروبه کوی نوبر با نظارت مهندسان آلمانی ساخته شد. این ساختمان دارای یک برج ساعت چهار جانی است که هر پانزده دقیقه یک بار، گذشت زمان را اعلام می کند. این بنا در مرکز شهر تبریز در میدانی موسوم به میدان ساعت قرار دارد. در حال حاضر تمام امور اداری و عمرانی شهرداری تبریز در این تالار متمرکز است.

عمارت ائل گوئی / شاه گوئی (استخر شاه) سابق و ائل گوئی (استخر مردم) فعلی از گردشگاههای زیبا و دلکش تبریز و ایران است که در هفت کیلومتری جنوب شرقی تبریز، بر دامنه تپه ای واقع شده است. پیرامون استخر درختانی کهنسال سر به هم آورده اند که انعکاس آنها در آب زیبایی محوطه را دو چندان می کند.

خانه مشروطیت / این خانه محل اجتماع سران مشروطیت در تبریز بود و تاریخ ساختمان آن ۱۲۴۷ شمسی مطابق با ۱۲۸۸ هجری قمری است. بانی این خانه حاج مهدی کوزه کنانی از فعالین نهضت مشروطیت بود. به علت ارزش های فرهنگی و تاریخی که این خانه دارد، به ویژه پیوند آن با نهضت مشروطیت، در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

جاذبه های طبیعی



ارتفاعات سه‌هند / توده آتشفشانی سه‌هند در ۵۰ کیلومتری جنوب شهرستان تبریز قرار دارد. حد شرقی آن از شهرستان هشترود و سر اسکندر و قره چمن می‌گذرد و تا حدود قافلانکوه پیش رفته است. بلندترین قله سه‌هند به نام جام داغی است به ارتفاع ۳۷۵۰ متر. این کوه تعداد زیادی قله‌های آذرین دارد که بلندی ۱۷ قله آن از ۳۰۰۰ متر تجاوز می‌کند.

ارتفاعات سلطان سنجر / کوه سلطان سنجر کوه آتشفشانی است که در حدود ۱۵ کیلومتری شرق زنوز واقع شده است و قلعه‌ای به ارتفاع ۳۲۵۵ متر دارد. این کوه بیشتر ایام سال از برف پوشیده است.

ارتفاعات موروداغ / کوه موروداغ در ۳۶ کیلومتری غرب تبریز در جهت شرقی - غربی از ارتفاعات شمالی صوفیان به سمت تبریز کشیده شده است. این رشته کوه در گردنه پایان از شمال تبریز می‌گذرد و به گردنه شبلی منتهی می‌شود. بلندترین نقطه موروداغ ۲۲۱۰ متر ارتفاع دارد و معروف‌ترین قله‌های آن چله‌خانه، پیر موسی و خواجه مرجان است.

چشمه تاپ تاپان / این چشمه به فاصله ۵ کیلومتری آذر شهر در جاده تبریز به مراغه واقع شده است. آب در حوضی طبیعی جمع می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. آب این چشمه از دسته آبهای معدنی بی کربنات کلسیک و منیزین‌گازدار و آهن دار است که خواص درمانی آن برای ازدیاد گلبول‌های قرمز و تنظیم میزان هموگلوبین خون، سهولت کار دستگاه گوارش و کمک به تغذیه و رشد ارزیابی شده است.

چشمه آب معدنی کندوان / کندوان روستایی تاریخی و کم‌نظیر است که در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب اسکو در میان دره‌ای با صفا و کنار رودخانه پرآبی به همین نام واقع شده است. فاصله روستای کندوان تا تبریز ۶۲ کیلومتر است. این روستا چشمه آب معدنی مهمی به همین نام دارد که برای درمان بیماران کلیوی نقش به‌سزایی دارد.

موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی

آذربایجان شرقی با وسعت ۱۶۲۵۴/۴ کیلومتر مربع در گوشه شمال غربی فلات ایران قرار دارد. رود ارس حدود شمالی آن را با جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و ایالت خود مختار نخجوان مشخص می‌کند. رود قشور و آب‌های دریاچه ارومیه حدود غربی با استان آذربایجان غربی است. در جنوب کشیدگی رشته کوه‌ها، دره‌ها، جلگه‌ها و دشتهای موجب پیوستگی توپوگرافیک استان با آذربایجان غربی و زنجان شده است و در شرق نیز دره و رودخانه دره رود، کوه‌های سبلان، چهل‌مند و گردنه صائین این خطه را از استان اردبیل جدا می‌کند.

منطقه آذربایجان به علت موقعیت خاص جغرافیایی، یکی از مناطق حساس و مهم کشور است. همین اهمیت، حساسیت و گستردگی باعث شده است تا این منطقه با وجود خصوصیات مشترک جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی به سه استان آذربایجان

جغرافیای تاریخی استان

آذربایجان در فارس میانه آتور پاتکان، در آثار کهن فارسی آذربادگان یا آذربایگان، در فارسی کنونی آذربایجان، در یونانی بیزانس آذربئیگانون، در ارمنی اتراپاتاکان، در سریانی آذربایغان و در عربی آذربئیجان نامیده شده است. تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. قوم ماد پس از مهاجرت به ایران آرام آرام قسمت های غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کرد.

صنایع دستی آذربایجان شرقی

دراستان آذربایجان شرقی رشته های گوناگون صنایع دستی وجود دارد. از مهمترین صنایع دستی استان می توان از قالی بافی یاد کرد. رشته هایی که در حال حاضر فعال است عبارت است از: قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، رنگرزی سنتی و چاپ کلاقه ای، سوزن دوزی، سفالگری و سرامیک سازی، فرآورده های پوست و چرم، هنرهای مرتبط با چوب، حصیر بافی، طراحی سنتی و نگارگری، صحافی و جلد سازی سنتی و سایر صنایع دستی که عمدتاً در زمینه گیوه دوزی چاروق دوزی و ... است.

قالی بافی:

آذربایجان و بویژه شهر تبریز از دیر باز در خلق قالیهای نفیس، نقش عمده ای داشته است.

سابقه تاریخی هنری این مردم به دوران مادها می رسد. طراحی فرش در این مرز و بوم، سابقه طولانی دارد و طراحان بزرگی در این منطقه وجود داشته اند که با خلق آثار گرانبها و با ارزش، خدمات ارزنده ای به فرش ایران کرده اند.

تبریز یکی از مراکز بافندگی بسیار با اهمیت ایران در زمینه قالی بافی است. فرش های آن چه آنها که زینت بخش موزه ها ی معتبر جهان است. و یا در مجموعه کلکسیونرهای مشتاق جای گرفته اند و یا آنهایی که در مقیاس زیاد سر از بازارها و چهار سوق ها در می آورند، همواره خوش اقبال و خوش معامله هستند.

از هنرمندان این رشته می توان به میر منصور، رسام ارژنگی، عبدالله باقری، احمد عماد، حبیب الله امین افشار، میرزا تقی خیابانی، جعفر پاکدست، عباسعلی اعلا باف، اکبر برگی، قلی نامی، محمد حسن نجف زاده معروف به « بنام تبریزی»، ایپکچی، اهرابی، جوان، سلماسی، ممقانی، تهرانچی، آنتیکچی و طباطبایی اشاره کرد.

اولین عناصر و نقش سایه های سنتی ایران نظیر اسلیمی ها و ختایی ها قبل از آنکه از طریق مکتب اصفهان و فرهنگ دوره صفوی ابعاد جهانی یابند، از طریق نگاره ها و تذهیب و مرقعات بر روی فرشهای شمالی غرب ایران و تبریز ظاهر شدند. نقشه



های این فرشها اگر چه نام و نشانی بر خود ندارند ولی در آن حدی از کمالند که طرح و رنگ آنها را می توان با آثار بهزاد و سلطان محمد و دیگر هنرمندان عصر مقایسه کرد. به دنبال رکود پس از عصر صفوی، تبریز در اواخر قاجاریه، از اولین شهرهایی

است که تجارت فرش به طور گسترده در آن رواج می یابد و بازار پررونقی برای شرکتهای اروپایی می شود.

فرش های تبریز در هفتاد سال اخیر اغلب با طرحهای گلدانی، محرابی، شکارگاه، هراتی گل فرنگ، شاه عباسی، بندی، خشتی یا قابجایی، منظره بافی، قاب قرآنی، افشان، اسلیمی و بعضی از آثار و ابنیه اسلامی از کوچکترین تا بزرگترین اندازه های ممکن بافته شده اند. از دیگر طرحهای رایج در تبریز می توان به ریز ماهی، لچک ترنج و بته اشاره کرد.

بافت انواع فرشهای سنتی با طرحها و رنگهای بدیع و زیبا نمایشگر اوج تسلط طراحان و بافندگان برفن بافت است. چنین است

تلفیق رنگهای سنتی و رنگهای متنوع دیگر که به طور هنرمندانه صورت می گیرد هر چند که ارزش رنگرزی گیاهی قابل مقایسه با رنگرزی شیمیایی نیست.

مورد دیگری که به عنوان طراحی تابلو و عموماً تحت تأثیر طراحی اروپایی در تبریز رایج شده است و ظاهراً بازار گرمی نیز دارد، جای بحث دارد. این تصاویر همراه بافتی نفیس و درخشان نتایج حیرت باری را به ارمغان آورده است.

مسئله دیگری که در طراحی امروز نقشه های فرش در تبریز وجود دارد آن است که به ظاهر طراحی و رنگ تا حدودی جنبه ذوق آزمایی شخصی پیدا کرده است و بر اساس ذوق و استعداد و توانایی تعدادی هنرمند و یا تحت تأثیر عوامل بیرونی طراحی می شود. با اطمینان می توان گفت اگر تبریز آسیبهایی ناشی از بحران تورم و کمبود مواد مورد نیاز را از عرصه تولیدات دور سازد، تا سالیان طولانی فرش تبریز فرش غیر قابل رقابت محسوب خواهد شد و فرشهای زیبا و نفیس آن کماکان در آن سوی مرزها به فتح بازارهای فرش خواهد رفت.

هریس:

هریس در کنار جاده ای که تبریز را به شهرستان اهر متصل می کند قرار دارد. از نظر قالی بافی معروفیت زیادی دارد و فرش های ابریشمی و پشمی و خوش آب و رنگ آن از دیر زمان مطلوب بازارهای داخل و خارج بوده است. فرشهای هریس با وجود آنکه همگی در یک سبک بافته می شود ولی کمتر مشابه یکدیگر هستند.

قالی بافان هریس در گذشته از به کاربردن نقشه، احتراز می نمودند و اغلب فرش های خود را به کمک حافظه می بافتند.

بافندگان محلی سابقاً پشمهای مورد مصرف خود را از گوسفند ان ایل شاهسون تأمین می کردند.

اسامی نقشه هایی که از قدیم در هریس بافته می شد به ترتیب زیر است:



البته امروز بیشتر طرحهای صمد خان، تاجری، صبوری، یدی گل، علی اصلان، اسماعیل بیک، چلینگر، افشان و تلفیقی هریس بافته می شود.

گلیم بافی:

در استان آذربایجان شرقی، گلیم بافی، بسیار رایج است و یکی از رشته های اصلی منطقه به حساب می آید. از مهمترین گلیم های منطقه می توان به بافت گلیم، گلیم های شاهسون اشاره کرد. شاهسونها یکی از مهمترین طوایف شمال غربی ایران هستند که اکثریت آنها ترک و اقلیتی دارای اصلیت کرد، تاجیک و گرجی هستند. شاهسون به معنای دوست دار و وفادار به شاه است که توسط شاه عباس برای مقابله با سپاه شیعه یعنی قزل باشها به وجود آمد. گلیم رایج ترین کف پوش شاهسونها است و به همین علت تعداد زیادی از آنها توسط این طایفه بافته شده است. شاهسونها مردمی بسیار سنتی هستند و در طرح و بافت گلیم های آنان نوعی محدودیت به چشم می خورد. در تمام گلیم های شاهسونها از نگاره های بزرگ و برجسته استفاده شده است. این نگاره ها بصورت ردیفی در گلیم ها بافته شده و توسط نوارهایی باریک با طرحهای ظریف تر و پیچیده تر از یکدیگر جدا شده اند. شاهسونهای منطقه هشتروند که زمستان را داخل و یا اطراف هشتروند سپری می کنند و تابستان به دامنه های کوه سهند کوچ می کنند، از رنگهای ملایم به خصوص سبز و صورتی و کمی آبی تیره و قهوه ای در بافت گلیم هایشان استفاده می کنند. حاشیه ها معمولاً ساده و تحت تأثیر همسایگان کرد بر شیوه بافت آنها بیش از دیگر قبایل بوده است.

باوجود اینکه شاهسونهای میانه و هشتروند از لحاظ فرهنگی اختلاف ندارند ولی در بافت گلیم تفاوتی دیده می شود. گلیم های شاهسون میانه بزرگتر از گلیم های شاهسونهای هشتروند است و طرحهای نواری سنتی و ترنج های بزرگ کنگره دار از جمله نگاره های آنها است. تارها معمولاً پشمین یا نخی بوده و ریسمان های خود رنگ در متن گلیم به چشم می خورد. بافت چاک دار و خطوط حاشیه ای پیچ باف به وسیله رنگهای متضاد از دیگر قسمتهای آن متمایز می شود. زرد پرتقالی، قرمز گیلاسی، آبی روشن و قهوه ای ملایم از جمله رنگهای این منطقه است.

در استان آذربایجان شرقی هم گلیم های ساده (دورو) و هم گلیم های سوماک که به ورنی معروف است، بافته می شود. گلیم های ساده یا دورو دارای تار از نوع پنبه ای و پود پشمی بوده و ورنی دارای تار و پود نازک از نخ پنبه ای و نیز پود پشمی است. بافت ورنی به شیوه پود پیچی است و بر روی این نوع گلیم، طرحها و نقوش حیوانات اهلی و وحشی مشاهده می شود.



گلیم های آذربایجان شرقی، ذهنی باف است و هرگز از نقشه برای بافت استفاده نمی شود لذا طرح و نقش حاصل فوق و

خلاقیت بافنده گلیم است.

چاپ های سنتی:

چاپ کلاقه ای یا باتیک عبارت است از هنری دستی که در کشورهایی نظیر تایلند، اندونزی، سریلانکا و هند از اعتبار ویژه ای برخوردار است و نوعی از آن که به کلاقه ای معروف است در تبریز یا اسکو رواج دارد. در چاپ کلاقه ای، کلیه طرحها و رنگها را با استفاده از واکس و عملیات رنگرزی بر روی پارچه منتقل می کنند (که اکثراً در اثر نفوذ کامل واکس به داخل پارچه که به طور معمول از جنس ابریشم طبیعی انتخاب می شود) و پوشیده شدن کامل تاروپود از واکس هر دو روی پارچه یکسان نقش می شود. یکی از مشخصات و ویژگی های چاپ کلاقه ای ایجاد رگه های رنگی است که در اثر شکستن واکس و نفوذ رنگ از میان این شکستهها به پارچه در حین عملیات رنگرزی بر روی پارچه به وجود می آید.

رودوزی ها و بافتنی ها:

روکاری یا رودوزی در استان آذربایجان شرقی در زمینه ممان دوزی انجام می شود. این رودوزی به گونه ای است که زمینه اساسی پارچه را سراسر بخیه می پوشاند تا زمینه تازه ای از رنگ و نقش پدید آید. مرکز مهم این رودوزی ممان، در ۴۰ کیلومتری تبریز، است.

طراحی سنتی و نگارگری:

طراحی سنتی و نگاره های ایرانی مثل یک دنیای کوچک از گلهای همیشه بهار همراه با نسیمی فرح بخش و انسانهای باوقار، بیننده را به تفرج و نشاط هر چه بیشتر دعوت می کنند. تبریز از قدیم الایام مأمن نگارگران بوده است و هنرمندانی چون استاد بهزاد در این مکان استقرار داشتند، و در سال ۹۲۸ هجری شاه طهماسب از هرات به تبریز رفت و به همراه شاه استاد بهزاد و دیگر هنرمندان جوان به تبریز رفتند. این عزیمت موجب تحولی در مکتب نگارگری شد و باعث شد مکتب تبریز در نگارگری بوجود آید. در مکتب تبریز از فضا و فرم صخره ها، درختها و آسمان، بسیار استفاده می شود. اندازه اندامها را در نگاره ها اندکی بزرگ و در عوض تعدادشان را خلاصه کردند. اندامها حالتی درونگرا به خود گرفته اند.

علاوه بر هنرهای سنتی ذکر شده عده ای نیز مشغول به کار در زمینه هنرهای صناعی از جمله نمذ مالی، گیوه دوزی و چاروق دوزی هستند.

بستان آباد



شهرستان بستان آباد در محل شهر باستانی و گمشده اوجان بنا شده است. نام اوجان از قرن ششم به بعد در اکثر سفرنامه‌ها و کتابهای تاریخی آمده است. حمدالله مستوفی در نزهه القلوب می نویسد: « آن را بیژن بن گیو بن گودرز ساخت. غازان خان امارتش را تجدید کرد. از سنگ و گچ بارو کشید و شهر اسلام خواند و دارالملک ساخت. هوایش سرد و آبش از کوه سهند جاری است. حاصلش غله و بقولات بود. میوه او جان از اقلیم سفید چهره و شافعی مذهب اند. فرمانروایان ترکمانان و صفویه مدتها در قصر غازانی در اوجان مجالس عیش و نوش داشتند، اما در روزگار فرمانروایان بعدی آذربایجان حوادث و جنگهای خونین متعددی اوجان را در معرض انهدام و ویرانی قرار داد که امروزه از آن همه آبادانی و زیبایی فقط یک رودخانه و یک دهستان به نام اوجان در جغرافیای آذربایجان باقی مانده است.»

غار آغ بولاق

این غار در قسمت جنوبی روستای قره چمن از توابع شهرستان بستان آباد واقع شده و از نوع غارهای استالاکتیت است. عرض دهانه غار حدود ۲ متر است و دسترسی به آن از روستای قره چمن امکان پذیر است.

سراب

تاریخچه شهرستان سراب

منطقه سراب از جمله مناطقی است که از دیرباز مسکونی بوده است. وجود کتیبه اورادتویی، تپه های باستانی و معابد سنگی در حومه این شهر نشانگر قدمت تاریخی منطقه است. سنگ نبشته رازلیق که یک باستان شناس آلمانی در سال ۱۹۷۱ آن را خواند به خط میخی و متعلق به آرگیشتی دوم پسر روسای اول است. در منطقه سراب آثار متعددی از جمله معابد سنگی، قلاع و یک چهار طاقی متعلق به دوران تمدن ساسانی به جای مانده که مبین اهمیت آن در دوره ساسانی است. شهر سراب در دوران حکومت مغولان از مراکز عمده حکومتی در آذربایجان بود. در زمان حکومت چوپانیان نیز سراب مورد توجه بود و حکومت آن با « جانی بیگ خان » از اولاد « جوجی خان » بود که در سال ۷۵۸ در این شهر کشته شد. در اوایل حکمرانی صفویه که شهرهای تبریز و اردبیل از شهرهای مهم به شمار می رفتند، سراب به دلیل نزدیکی به این دو شهر از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. جنگ شاه اسماعیل و خلیل پاشا در سراب روی داد و آغا محمد خان قاجار با صادق خان شقاقی در این منطقه جنگید.

بقعه شیخ اسحاق



در ساحل جنوبی رودخانه کوچک روستای خانقاه محال خانمروود بقعه آجری بزرگی قرار گرفته که به بقعه شیخ اسحاق معروف است. در مورد هویت شیخ اسحاق و صاحبان دیگر قبرهای این بقعه اطلاعات مستندی در دست نیست

امام زاده بزرگ

این امام زاده در جنوب غربی شهر سراب، جنب قبرستان عمومی شهر واقع شده است. بنا دارای دو مناره به ارتفاع ۹ متر است که از کنگره و مأذنه آن اثری بر جای نمانده است. نوع ساختمان ساده است، ولی در بعضی قسمت ها با آجر چینی، تنوعی به ظاهر ساختمان داده اند. سبک بنا و ستونها آن را به قرن هشتم و نهم منسوب می کند.

مسجد جمال آباد

جمال آباد نام روستایی است از محال آلان بر آغوش که در ۶ کیلومتری شمال مهربان و ۲۱ کیلومتری جاده تبریز - سراب قرار گرفته است. این روستا مسجد کهنی دارد که ۶ ستون عظیم سنگی سقف چوبی آن را نگه داشته است. ظاهراً این مسجد در ابتدا دارای دیوارهای سنگی و سقف گنبدی بود که بعدها سقف و دیوارها فرو ریخت و قطعات آن هر یک در جایی افتاد و یا به جای دیگری انتقال یافت. جنس سنگهای به کار رفته در مسجد عموماً آهکی است.

مسجد جامع سراب

مسجد جامع سراب یادگار قرن نهم هجری قمری است. این مسجد بدون گلدسته و مناره است و از یک شبستان بزرگ و یک حیاط کوچک در سمت غربی و دو در ورودی تشکیل شده است. شبستان مسجد مجموعه ای است از ۶۰ گنبد که همه آنها (به استثنای ردیف چهارم از شرق) مستقیماً بر روی طاق جناقی و ستونها نهاده شده اند. مسجد جامع سراب سه محراب دارد که هر کدام از ویژگی خاصی برخوردار است. یکی از این محرابها بسیار نفیس و زیبا از کاشی لعابدار برجسته است و با وجود صدمات مختلف که دیده است باز هم از زیبایی قابل توجهی برخوردار است.

مراغه

تاریخچه شهرستان مراغه

مراغه از شهرهای تاریخی و قدیمی آذربایجان و ایران است. در ۲۸۰ هجری فرمانروایی مراغه به محمد بن افشین بن دیوداد رسید. بعد از وی برادرش یوسف به جای او نشست و در سال ۲۹۶ هجری به نام خود در مراغه سکه زد. در سال ۳۱۷ هجری، مسافریان دیلمی به مراغه دست یافتند. در سال ۴۲۰ هجری قشون غز وارد مراغه شد. در سال ۵۶۶ هجری مراغه جزو قلمرو سلجوقیان در آمد. در سال ۶۲۲ هجری جلال الدین خوارزمشاه بدون برخورد یا مقاومت مهمی به مراغه آمد. در سال ۶۲۸



هجری این شهر به تصرف سپاهیان مغول درآمد. در سال ۶۵۶ هجری مراغه مرکز فرمانروایی هلاکوخان مغول شد. خواجه نصیرالدین طوسی با همکاری چند ستاره شناس مأمور تاسیس رصدخانه معروف مراغه شد. در سال ۷۵۹ هجری مراغه به دست

تیموریان ویران شد. در سال ۱۱۴۲ هجری شهر مراغه و دهخوارقان به دست نادر شاه گشوده شد. گرچه شیخ عبیدالله کرد در سال ۱۲۹۷ هجری خود را به حوالی مراغه رسانید ولی هجوم وی و همراهانش دفع شد و سکون و آرامش به مراغه بازگشت.

بنا و یادمانهای تاریخی

مقبره اوحدی مراغه ای

این بنا محل دفن رکن الدین ابوالحسن مراغی مشهور به اوحدی مراغه ای عارف و شاعر پارسی گوی نامدار و صاحب مثنوی معروف جام جم است. مقبره اوحدی در میان باغی سرسبز در شهر مراغه واقع شده است.

گنبد سرخ

از پنج مزار موجود در مراغه قدیم ترین آنها، گنبد سرخ است که در آذربایجان بیشتر به (قرمزی گنبد) شهرت دارد. عمارتی است چهار گوش با سقفی گنبدی که بر مقرنس هایی که هنوز سالم مانده اند نهاده شده است. کتیبه ها و نقوش هندسی از آجر سرخ تراشیده و کاشی مینایی رنگ بر بالای درگاه بنا کار گذاشته شده است. بر زمینه ای از گچ خاکستری این کتیبه ها نقوشی از گل و برگ گچ بری که اثری از رنگ آبی در آنها دیده می شود آراسته شده است. کتیبه های موجود نشانگر این است که بنا در زمان حیات عبدالعزیز ساخته شده است.

گنبد مدور

گنبد مدور دومین مزار از قبرهای پنجگانه مراغه است. این بنا برجی است مدور که از گنبد و سقف آن چیزی بر جای نمانده و مزاری کاملاً ناشناخته است. ارزش بنا در این است که ترقی و تکامل نمای مینایی را طی دوران کوتاه میان تاریخ احداث این بنا و تاریخ ساخت گنبد سرخ نشان می دهد. بنا که از آجر ساخته شده، به سکوی بلندی از سنگ که سردابی در میان دارد، نهاده شده است.

گنبد کبود

سومین مزار از قبرهای پنجگانه مراغه که (قبر مادر هلاکو) نامیده می شود، برجی است کبود و زیبا به شکل منشوری ده وجهی. پهلوهای این برج دارای طاق نما و حاشیه کاری و دندانه است و در کناره آن پایه های ستون ماندنی ساخته شده است. این برج نظیر دیگر برجهای مقبره دار دو طبقه است. قسمت پایین، سرداب مخصوص دفن میت است و قسمت بالایی اطاقی است مزین



به گچ بری و کاشی نوشته. اطلاق سقف بلندی دارد که گنبد آن فرو ریخته و قسمت اعظم گچ بری و تزئینات و نوشته های آن نیز از بین رفته است.

گنبد غفاریه

این بنا در قسمت شمال غربی مراغه کنار رودخانه صافی چای واقع شده و تاریخ احداث آن در فاصله بین سال های ۷۲۵ و ۷۲۸ هجری قمری است. گنبد غفاریه بنایی مربع و آجری است که بر بالای سکویی سنگی و سردابه دخمه ای عمیقی استوار است. در چهار زاویه آن ستون هایی با نقوش لوزی پخ ساخته اند.

قلعه و غار قیزلار قلعه سی

قیزلار قلعه سی (قلعه دختران) یکی از مهم ترین آثار تاریخی و طبیعی شهرستان مراغه است. این قلعه و غار در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی مراغه و در سمت جنوبی دره بسیار عمیق کوههای کؤی داغ (کوه کبود) واقع شده است. ارتفاع کلی غار و قلعه نسبت به دره عمیق مقابل حدود ۱۸۰۰۰ تخمین زده شده است. در ارتفاعات پشت قلعه باقیمانده یک دیوار خشتی به چشم می خورد که از بقایای قلعه قدیمی است.

جاذبه های طبیعی

چشمه ورجوی

چشمه معدنی ورجوی در فاصله ۸/۵ کیلومتری جنوب مراغه از زمین خارج می شود. آب چشمه وارد حوضچه ای می شود و سپس به رودخانه مجاور آن می ریزد. مظهر چشمه در میان سنگهای آهکی مجاور رودخانه قرار دارد که آب آن همراه با گاز از زمین خارج می شود.

بناب

تاریخچه شهرستان بناب

بناب به معنای سرزمینی است که ریشه اش در آب و یا نزدیک آب است. این شهر قبل از حمله مغولان بسیار آباد و پر رونق بود. در گورستانهای منطقه قره قشون، در ارتفاعات جنوبی آن آثاری مربوط به قرن های هشتم و نهم هجری به دست آمده است. آثار و بقایای بناهای تاریخی نشانگر آبادانی آن در دوره صفویه است. با وجود اینکه بناب از شهرهای مهم آذربایجان است، از نقطه نظر اقتصادی، سیاسی و تاریخی پیوسته تحت تأثیر مراغه بوده است.

مراکز تاریخی و باستانی



در ۲۸ کیلومتری شرق عجب شیر در ساحل شرقی دریاچه ارومیه در ۹۵ کیلومتری جنوب تبریز ، قلعه ضحاک عجب شیر واقع شده است . در ارتفاعات مقدم سه‌پند غربی ، کوه سنگی مجزایی در دره سربرآورده که به داش قلعه ضحاک معروف است . در پای این کوه قبرستانی است که در آن مجسمه سنگی قوچی قرار دارد . در کنار قبرستان دهی است به نام ینگجه و در شمال قلعه روستای بازار (بالاس) قرار دارد . رسیدن به این روستا فقط با خودروهای بیابانی و از راه روستای گنبد (کنبد) و قریه هزاره ممکن است .